

ان در آینه شناسی

اعظم اطیابی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی

نیست و بزرگسالان هم درگیر مسایل عاطفی - جسمانی اند که اگر مورد بررسی قرار نگیرند، مسئله ساز خواهند بود. آن چه مهم به نظر می‌رسد طرد واکنش‌های نسلی نیست، بلکه برای رسیدن به تجربه و تفاهم مشترک بین نسل‌ها نیازمند تغییر انتظارات و نگرش‌های اجتماعی هستیم.

تأثیر جامعه و فرهنگ بر دوره جوانی

شاید تا به حال در مورد جوان و جوانی زیاد شنیده باشیم. صحبت از این دوره می‌تواند مفید، آگاهی دهنده یا مرموز کننده و اسرار آمیز باشد. به طور کلی، مطالعات مختلف انجام شده درباره دوره جوانی ریشه‌ای تاریخی دارد. اهمیت دوره جوانی به عنوان عامل تعیین کننده پایگاه‌ها و تشخیص رفتارها در فرهنگ‌های مختلف یا در زمان‌های گوناگون تغییر پذیر است. از دو قرن پیش تا به حال گفته می‌شود دوره جوانی و مسایل مربوط به آن متأثر از تغییرات اقتصادی - اجتماعی است. مطالعات تطبیقی هم به طور فزاینده تغییر در الگوها و سلسله مراتب آن را نشان می‌دهد. (جفرز و اسمیت، ۱۹۹۸)

جوان امروز با جوان دو قرن پیش بسیار متفاوت است. انقلاب صنعتی و رشد شتابان صنعت و فناوری بعد مادی و غیرمادی زندگی بشر را تحت الشعاع قرار داده و جوانان که آمادگی پذیرش تغییرات را همواره بیش از بزرگسالان داشته‌اند، دگرگونی‌های حاصل از صنعتی شدن را سریع‌تر تجربه کرده و خود را با آن تطبیق داده‌اند. در مطالعات

مقا
جوانی در معنای طراوت و تازگی، در مرحله‌ای میانی بین کودکی و بزرگسالی قرار دارد. شناخت ویژگی‌های این دوران برای جوانان، با هدف آگاهی از پایگاه و وضعیت خود در جامعه و برای بزرگسالان به منظور سهولت ارتباط با نسل جوان از جذابیت برخوردار است. تاکنون نویسندگان بسیاری در مورد این گروه سنی قلم فرسایی کرده‌اند. به طور معمول بیش تر مطالب و گفت‌وگوهای شکل گرفته درباره دوره جوانی حول این محور دور می‌زند که جوان در مرحله‌ای بحرانی به سر می‌برد که همواره مسئله ساز است. در این مقوله راه‌کارهایی هم ارائه می‌شود که البته همگی مفید و حاصل تجارب و مشاهدات علمی و عملی است. اما این مقاله از چشم‌انداز دیگری به جوان می‌نگرد. یعنی تحولات روحی و جسمی ایجاد شده در جوان را می‌پذیرد، ولی وجود این گونه تحولات را مختص این دوره نمی‌داند. انسان‌ها تا پایان عمر دستخوش تغییر و دگرگونی‌اند و این سیر تکاملی ادامه دارد. تأکید بیش تر این بررسی بر طرز تلقی‌های اعضای جامعه نسبت به گروه سنی جوان است. انتظارات جامعه موجب می‌شود که ویژگی‌های خاص ذهنی - عملکردی در گروه‌ها و نسل‌های مختلف به وجود آید. به همین دلیل نمی‌توان سن دقیقی برای آغاز و پایان جوانی معین کرد، زیرا فرهنگ هر جامعه برای پختگی و بلوغ اجتماعی محدوده سنی خاصی را معین می‌کند. جوانی مرحله‌ای بسیار متمایز از سایر دوران



در مطالعه جوان و دوره جوانی
بیش تر از آن که دنبال تفاوت‌ها
باشیم بهتر است به تجارب
تحمیل شده اجتماعی بر آن‌ها
پردازیم. آن چه تک جوان را از
بزرگسال متمایز می‌کند فقط
تاریخ تولد او نیست. انتظارات
کنش‌های اجتماعی تأثیر
عمیق تری بر رفتار و افکار او
جای می‌گذارد



جوانان و رشد ذهنی، فرهنگی و اجتماعی آن‌ها نیز بیش تر
می‌بایست به شرایط فرهنگی - اجتماعی آن‌ها توجه کرد.
برای مثال، در جوامع ابتدایی نقش محیط اجتماعی و تأثیر
والدین بر جوانان آشکارتر از جوامع جدید است و این
تأثیرات در نوجوانی و جوانی و پس از آن، تفاهم بیش تری
میان والدین و فرزندان ایجاد می‌کند. در جوامع جدید،
جوانان را با معیارهای وسیع گروه‌هایی که در آن عضوند تطبیق
می‌دهند و این عامل شکاف بین نسل‌ها را در جوامع صنعتی
به وجود آورده است. (شرفی، ۱۳۷۹) روابط آدمیان در
جامعه، اصولاً براساس نظم و قواعد خاصی است و مردم
ایفاگر نقش‌هایی‌اند که جامعه و فرهنگ از آن‌ها انتظار دارند.
این انتظارات نقش‌های ویژه افراد و وظایف آن‌ها را در برابر
یکدیگر تعیین می‌کند. (سخاوت، ۱۳۷۴، ص ۲) جوانان نیز
با توجه به تغییر موقعیت‌ها، یادگیری جدید و جامعه‌پذیری
دیگری خواهند داشت.

ویژگی‌های دوره جوانی

لغاتی نظیر بلوغ، نوجوانی و جوانی اغلب قابل اشتباه
شدن‌اند. افراد بالغی که ما می‌شناسیم دارای تجارب و عقاید
شخصی با هویتی معین و تثبیت شده‌اند. تین ایچ یا نوجوانی
نیز براساس سنین خاص قابل شناسایی است. این سنین بین

مختلف برای شناخت گروه‌های سنی، آن‌ها را طبقه بندی
کرده، سپس تمایزات و خصوصیات آن‌ها بررسی می‌شود.
این گونه‌شناسی‌ها به شناخت ما از ویژگی‌های شخصیتی و
رفتاری جوانان کمک می‌کند. با وجود این، در مطالعه جوان
و دوره جوانی، بیش تر از آن که دنبال تفاوت‌ها باشیم بهتر
است به تجارب تحمیل شده اجتماعی بر آن‌ها پردازیم.
آن چه یک جوان را از بزرگسال متمایز می‌کند فقط تاریخ تولد
او نیست، انتظارات و کنش‌های اجتماعی تأثیر عمیق تری بر
رفتار و افکار او به جای می‌گذارد.

کارل مانهایم که به شیوه جامعه‌شناسانه مشکلات نسل‌های
ده سال پس از جنگ جهانی را بررسی کرده، معتقد است: تعلق
به یک طبقه، نسل یا یک گروه سنی مشابه، به هر فرد دیدگاه
مشابهی در عملکردهای اجتماعی و تاریخی می‌دهد. هم
چنین این تعلق موجب می‌شود ویژگی‌های فکری و تجربی
خاصی در افراد ایجاد شود. او در جایی دیگر نیز یادآور
می‌شود: ما نمی‌توانیم فرض را بر این بگذاریم که افراد متعلق
به یک گروه سنی یا یک نسل تفاوت‌های بسیار متمایزی در
شیوه تفکر و رفتار داشته باشند. آن چه مهم تر به نظر می‌رسد،
ایجاد امکاناتی برای کسب یک تجربه مشترک در گروه‌های
سنی است. (مانهایم، ۱۹۵۲، ص ۲۹۱)

جهت‌گیری‌های تند نسبت به عملکردهای جوانان موجب
نابرابری‌های رفتاری می‌شود. به طور کلی نیازها را نمی‌توان
فقط به سن مربوط دانست، بلکه احساس نیاز به شرایط و
موقعیت بستگی دارد. برای مثال می‌توان نقاط مشترکی در
تجارب همه افراد در خصوص زندگی، رفاه، اوقات فراغت،
استفاده از تسهیلات درمانی و موارد این چنین را مشاهده
کرد. (فرانکلین، ۱۹۹۵) وجود جنبش‌های حمایت حقوق
کودکان و نوجوانان، نشان دهنده بی‌ثباتی و نابرابری‌ها را از بین
براساس سن است. اگر ما بخواهیم این نابرابری‌ها را از بین
ببریم، می‌بایست نگاهی کل نگر داشته باشیم. محققان دوره
جوانی در مطالعات خود بهتر است سایر عوامل و افراد،
تجارب و عملکردهای آن‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهند. این
همان مفهوم وماهیت زندگی اجتماعی است که سبب
گسترش آموزش‌های غیررسمی و افزایش درک متقابل افراد
از یکدیگر در گروه‌های سنی مختلف می‌شود.

انسان شناسانی چون روت بندیکت معتقدند که تعداد
بسیار کمی از خصایص انسان‌ها جنبه زیستی دارند و درباره

۱۹- ۱۳ قرار می‌گیرد. از سال ۱۹۵۰ به بعد جامعه‌شناسان و روان‌شناسان درباره‌ی این دوره زیاد بحث کرده‌اند. سیاستمداران و جامعه‌شناسان در برخی از کشورها این گروه را در ارتباط با سرگرمی‌ها و صنعت مد مشخص کرده‌اند. واژه‌ی جوانی نیز عموماً در بحث از «رفتار جوانان» به کار گرفته می‌شود. جوانان تمایل دارند از طریق پایگاه‌های خود شناخته شوند. این پایگاه‌ها در گروه‌های اجتماعی و حرفه‌ای به دست می‌آیند. (هندری و همکاران، ۱۹۹۵)

جوانان برای کسب پایگاه اجتماعی از طریق کاربایی حرفه‌ای اقدام می‌کنند و هم‌چنین در روند اجتماعی شدن تصویری از خویش‌تن پیدا می‌کنند که بستگی کامل به تصویری دارد که دیگران از آن‌ها دارند و از این طریق هویت،

جوانان برای کسب پایگاه اجتماعی از طریق کاربایی حرفه‌ای اقدام می‌کنند و

هم‌چنین در روند اجتماعی شدن تصویری از خویش‌تن پیدا می‌کنند که بستگی کامل به تصویری دارد که دیگران از آن‌ها دارند و از این طریق هویت، منزلت و جایگاه خود را در جامعه می‌یابند.



منزلت و جایگاه خود را در جامعه می‌یابند. پیر بوردیو جوانی را پیش‌نیاز بزرگسالی و بزرگسالی را جوانی در گذشته عنوان می‌کند. استانی‌های جوانی را از ۱۸ سالگی و هادفیلد از ۳۰ - ۱۸ سالگی می‌داند. گزل دوره‌ی جوانی را پیش از سالمندی می‌داند، اریکسون سن ۲۴ - ۲۰ و کاپلان ۴۰ - ۲۰ سالگی را معیار قرار می‌دهند. به طور کلی با توجه به شرایط مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌توان سن خاصی را برای جوانان معلوم کرد. (کرباسی، ۱۳۷۸، ص ۳)

جوانی مرحله‌ای انتقالی است و تحولی بین مرحله‌ی کودکی و بزرگسالی محسوب می‌شود. جوان در این مرحله به دو جهان تعلق دارد و در عین حال به هیچ کدام تعلق کامل ندارد. این خصوصیت موجب در حاشیه قرار گرفتن او می‌شود. به هر حال در زمینه‌ی رشد و بلوغ، سن معینی را نمی‌توان مشخص کرد. مطالعات دقیق‌تر نشان می‌دهد که افراد مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به رشد اجتماعی، عاطفی انتخاب می‌کنند. (روتر، ۱۹۹۲، ص ۲)



برداشت‌های حاصل از دوره جوانی و دوران بزرگسالی

دوره جوانی	دوره بزرگسالی
غیر بزرگسال / خام و بی تجربه	بزرگسال / بالغ و رشد یافته
در حال بلوغ	بالغ و کامل
خود اجتماعی در حال تکوین	هویت معین و ثابت شده
ضعیف و آسیب پذیر	قوی و محکم
دارای مسئولیت بسیار کم	مسئول و متعهد
وابسته	مستقل
ناآگاه	مطلع و آگاه
دارای رفتارهای خطرناک	دارای رفتارهای ملاحظه کارانه
سرکش	مطیع

منبع: (وایت، واین، ۱۹۹۷، ص ۱۲)

پیرو قراردادها و سنت‌ها باشند. یک مطالعه در انگلستان نشان می‌دهد اغلب جوانان به زندگی خانوادگی، اصول اخلاقی کار، ارزش ذاتی تحصیلات و تنظیمات اجتماعی پای بند بوده‌اند. (وایت، واین، ۱۹۹۷)

در عقاید جوانان و بزرگسالان، عموماً تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بزرگسالان رفتار جوانان را در بیش تر موارد از جمله در زمینه عشق و جرم زودگذر می‌دانند. به نظر می‌رسد که فرهنگ جوانی فاقد عمق و دیرپایی است.

اغلب به ما گفته می‌شود که بزرگسال یک فرد کامل و پخته و جوان خام و بی تجربه است. دیدگاهی که درباره سن به وجود آمده شبیه آن بحث‌هایی است که در مورد جنسیت یا نژاد هم شکل گرفته، پایه و اساس ادبیات جوانان را تشکیل می‌دهد. با یک نظر اجمالی به بیش تر مطالعات جوانی می‌توان دریافت که جوانی معادل نقصان است و این دوره وضعیتی موقتی است، آن چنان که خود جوانان نیز آرزو دارند آن را پشت سر گذارند و به لحظه جادویی بزرگسالی برسند. طبق مدارک و شواهد، بیش تر جوانان می‌خواهند که با آن‌ها مثل افراد بزرگسال رفتار شود و آنان هم در فعالیت‌های بزرگسالان مشارکت کنند. (همان) اغلب محققان در بررسی جوانان به دنبال مشکل آفرینی و مسئله‌سازی آن‌ها بوده‌اند، در حالی که سایر دوران‌ها از جمله بزرگسالی هم که دوره قابل پیش‌بینی و منظمی به نظر می‌رسد، دارای، مسائل اسرارآمیز و مشکل آفرین است که ثبات این دوران را قابل تردید می‌کند. به رغم آن چه در بیش تر متون مربوط به دوره جوانی آمده، بیش تر جوانان تمایل دارند در شیوه زندگی و نگرش‌های خود

منابع

- سخاوت، جعفر، (۱۳۷۴): «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی»، دانشگاه پیام نور.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۷۹): «دنیای نوجوان»، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.
- کرباسی، منیژه - وکیلان، منوچهر (۱۳۷۸): «در مسایل جوانان و نوجوانان»، دانشگاه پیام نور.

- FRANKLIN, B. 1995. THE HANDBOOK OF CHILDRENS RIGHTS. LONDON: ROUTLEDGE.
- HENDRY, L.B, ETAL, 1995, EDUCATING FOR HEALTH SCHOOL AND COMMUNITY APPROACHES WITH ADOLESCENTS, LONDON: CASSELL.
- JEFFS, T, AND SMITH, M.K, 1998. INFORMAL EDUCATION.
- MANNHEIM, K, 1952. THE PROBLEM OF GENERATION IN ESSAYS ON THE SOCIOLOGY OF KNOWLEDGE, LONDON; ROUTLEDGE AND KEGAN PAUL.
- WYN, J. AND WHITE, R. 1997, RETHINKING YOUTH, LONDON: SAGE.